



زیمیل دینداری را عامل پویایی جامعه می داند/ دو ایده هابرماس

سید محمود نجاتی حسینی گفت: زیمیل دین داری را عامل پویایی جامعه می داند که می تواند جامعه جدید را بسازد اما چیزی درباره تضاد دنیا و آخرت نمی گوید.

سید محمود نجاتی حسینی گفت: زیمیل دین داری را عامل پویایی جامعه می داند که می تواند جامعه جدید را بسازد اما چیزی درباره تضاد دنیا و آخرت نمی گوید.

به گزارش خبرنگار مهر، چهارمین همایش کنکاش های مفهومی و نظری درباره جامعه ایران ۲۹ خرداد در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد.

سید محمود نجاتی حسینی در این نشست با موضوع دین در رویایی با وفاق و تضاد و پویایی به سخنرانی پرداخت. وی گفت: زیمیل دین داری را عامل پویایی جامعه می داند که می تواند جامعه جدید را بسازد اما چیزی درباره تضاد دنیا و آخرت نمی گوید. ادیان ابراهیمی با تضاد خیلی سر و کار دارند. در حالی که ادیان ابراهیمی پیرامون جنگ و نبرد با کفار صحبت می کنند در ادیان آسیایی ردپای تضاد را کمتر می بینیم و پیروان شأن را بیشتر به آشتی با دنیا دعوت می کنند و ایمان و کفر کمتر دیده نمی شوند. اما وقتی در واقعیت نگاه می کنیم پیروان ادیان آسیایی هم به دنبال کشتار و خشونت اند که نمونه اخیر آن را در کشتار مسلمانان روهینگیا می بینیم.

وی افزود: در ایران باستان نیز آئین زرتشتی عامل خشونت شده است و از سلاح تکفیر برای بیرون کردن رقبای غیر زرتشتی استفاده می کنند. با تعبیریه دینی و بد دینی و تقسیم افراد دین دار، خشونت های زیادی را رقم می زدند. برای راه حل این معضل می توانیم به ایده زیبای هابرماس رجوع کنیم. هابرماس به مباحث جامعه شناسی دین مسلط است و می داند که در واقعیت جهان امروز چه می گذرد.

محمود نجاتی حسینی ادامه داد: هابرماس دو ایده در این زمینه دارد. یکی پسا سکولاریسم است که این ایده را برای آشتی میان دین داران و سکولاریست ها مطرح می کند. می گوید جوامع مدرن دموکراتیک باید اجازه دهند دین گرایان دوباره به حوزه عمومی راه بیابند تا در حوزه های محدود خشونت آمیز قرار نگیرند و به جوامع حمله نکنند. ایده دوم پسامتافیزیک است. می گوید علم و دین باید با هم کنار بیایند. هابرماس معتقد است الهیات مدرن و الهیات سکولار باید به سمت باورهای دینی و خاتمه دادن به تضاد برود.

وی همچنین گفت: اصولی که هابرماس معتقد است با آنها می توان میان این گروه ها آشتی ایجاد کرد عبارت اند از: بی طرفی دولت و قانون در مواجهه با همه این گروه ها، رعایت قانون مدارانه اصل تساهل و مدارا، وجود فرهنگ سیاسی ای که اجازه دهد هم دین داران و هم غیر دین داران در حوزه های عمومی مشارکت کنند، آشتی و تفاهم و تعامل علم سکولار با دانش اعتقادات دینی، همفکری و گفتگوی شهروندان سکولار و دین گرا و تعامل زبان دینی و زبان سکولار.